

موانع اجرای آرای داوری خارجی در حقوق موضوعه ایران

پژوهشگر دوره دکتری تخصصی حقوق بین الملل و مدرس رسمی کالج بین المللی ابن سینا گرجستان

حسن خانی

استادیار گروه حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران

عبدالکریم شاحیدر

چکیده

داوری روشی برای حل اختلاف است که در آن طرفین به جای رجوع به نهاد قضائی، اختلاف خود را به یک یا چند داور مورد اعتماد ارجاع می‌دهند. آن‌ها می‌توانند داوران را خود تعیین کرده یا تعیین آن را به شخص دیگری یا به دادگاه بسپارند. مهمترین دلایل استفاده از داوری یکی اینست که داوران برخلاف مراجع قضایی مکلف به رعایت قوانین و تشریفات زمان بر آیین دادرسی نیستند و در نتیجه سرعت رسیدگی به دعوا بسیار بالاتر رفته و معمولاً هزینه بسیار کمتری نیز خواهد داشت. گاهی هم اعتماد نداشتن به بی‌طرفی دادگاه‌ها - به ویژه در اختلافات بین‌المللی - افراد را به استفاده از داوری ترغیب می‌کند. داوری به ویژه در قراردادهای بین‌المللی تجاری بسیار مورد استفاده است. در حقوق داخلی هم داوری استفاده فراوانی دارد و همه افراد می‌توانند مأموریت رسیدگی به اختلاف خود را به شخص یا اشخاصی واگذار کنند که با توجه به شهرت به درستکاری و امانتداری و احاطه به جنبه‌های تخصصی مورد اعتماد آن‌ها هستند.

واژگان کلیدی: قراردادهای بین‌المللی - حل اختلاف - داوری بین‌المللی - موانع اجرای آرای داوری خارجی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 18

Pages 1-16

Obstacles to the Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Iranian Statutory Law

Hasan Khani

PhD researcher in international law and official lecturer at the Avicenna International College,
Georgia

Abdolkarim Shahider

Assistant Professor, Department of International Law, Payam University of North Tehran

Abstract

Arbitration is a method of dispute resolution in which the parties, instead of going to court, refer their dispute to one or more trusted arbitrators. They can appoint the arbitrators themselves or have them appointed by another person or the court. One of the most important reasons for using arbitration is that, unlike the judicial authorities, arbitrators are not required to comply with the time-consuming rules and procedures of the procedure, and as a result, the speed of the dispute resolution process is much higher and usually much less expensive. Sometimes, lack of trust in the impartiality of the courts - especially in international disputes - encourages people to use arbitration. Arbitration is especially widely used in international commercial contracts. Arbitration is also widely used in domestic law, and all individuals can entrust the task of handling their dispute to a person or persons they trust, given their reputation for honesty and trustworthiness and expertise in specialized aspects.

Keywords: International contracts - dispute resolution - international arbitration - obstacles to the enforcement of foreign arbitral awards

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

در تجارت بین‌الملل، داوری از جذاب‌ترین شیوه‌های رسیدگی به حل و فصل اختلافات است. زیرا تجار تمایلی ندارند برای حل اختلاف خود به دادگاه کشوری مراجعه کنند که از قوانین ماهوی و شکلی آن شناخت ندارند. به علاوه این رسیدگی هم محتاج پرداخت هزینه دادرسی بوده و هم بسیار زمان بر است و در فرض صدور رأی به نفع هر کدام از طرفین نیز اجرای آن با دشواری‌های عدیده‌ای روبروست. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شرایط خاص خود را دارد سابقاً اجرای رای داوری خارجی تحت قانون اجرای احکام مدنی قابلیت اجرا داشت ولی در سال ۱۳۸۰ دولت ایران، تحت شرایط عمل متقابل و تجاری بودن دعوی، کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ در مورد شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی را تصویب نمود. به این ترتیب اجرای آراء داوری خارجی در ایران از این پس باید بر اساس مقررات این کنوانسیون انجام شود، زیرا اکنون این کنوانسیون جزئی از حقوق داخلی ایران محسوب می‌شود. در واقع، به موجب این کنوانسیون دولت ایران، مانند دولتهای دیگر متعاقد، ملزم است احکام داوری خارجی را که شامل آراء داوری با وصف بین‌المللی ولی صادر شده در خارج از قلمرو ایران می‌شود به رسمیت شناخته و آنها را در قلمرو سرزمین ایران اجرا نماید. با الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک دیگر نمیتوان صرفاً به مقررات قانون اجرای احکام مدنی در خصوص احکام و اسناد لازم الاجرای کشورهای خارجی استناد کرد، ضمن این که این گونه قوانین در گذشته هم پاسخگوی نیازهای قضات در رفع معضلات مربوط به اجرای این گونه آراء که در یک جو بین‌المللی صادر شده و با توجه به خصوصیات تجارت بین‌المللی باید اجرا شوند نبودند. به موجب بند ۱ از

ماده یک کنوانسیون نیویورک: «این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری صادره از قلمرو دولتی غیر از دولتی که از آن تقاضای شناسایی و اجرای احکام مزبور شده است و ناشی از اختلافات بین اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی اعمال خواهد شد «بنابراین برای آن که رأیی خارجی تلقی شود و در نتیجه در ایران با توجه به مقررات کنوانسیون قابلیت اجرا داشته باشد، باید محل صدور غیر از ایران داشته باشد ضمن این که، مطابق ماده یک قانون داوری تجاری بین‌الملل ایران مصوب ۱۳۷۶ یکی از طرفین آن ایرانی نیست، چنین رأیی به سبب آن که رأی داخلی به معنی واقعی کلمه تلقی نمی‌شود، مطابق مقررات کنوانسیون در ایران اجرا خواهد شد. معذک، هر رای داوری خارجی، به مفهومی که بیان شد، مطابق مقررات کنوانسیون نیویورک قابل اجرا نیست. در واقع، رأی باید در زمینه اختلافات ناشی از روابط حقوقی باشد که به موجب قوانین داخلی ایران تجاری تلقی می‌شوند. (بند ۳ از ماده یک کنوانسیون) ضمن این که دولت متعاهدی که رأی در قلمرو آن صادر شده باید بر اساس عمل متقابل آراء صادره در سرزمین ایران را در قلمرو خود اجرا کند. (همان بند)

داوری

داور یا حکمیت : حکم به معنای قضا، داد، حکومت، قضیه، فصل دعوای دو تن و بیشتر به فرمانی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶، ۸۰۴۲). اما صراحتاً اصطلاح داوری در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی اینگونه تعریف شده است: داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی

۱-۱

داوری

داخلی

داوری داخلی به معنای اخص عبارت است از داوری که کلیه عوامل متشکله ی آن چون ماهیت داوری، تابعیت طرفین دعوی و داوران، قانون قابل اجرا و محل اجرای رأی داوری مربوط به قلمرو سیاسی و جغرافیایی یک کشور باشد. مثلاً زمانی که موضوع اختلاف بین دو نفر تبعه ایرانی در کشور ایران طبق قوانین و مقررات ایران و توسط داوران ایرانی مورد رسیدگی قرار گرفته و حل و فصل شود. چنین رأیی مبتنی بر داوری داخلی است (زاهدیان و بزمی میاوان، ۱۳۶-۱۰۹، ۱۴۰۰).

۱-۲ داوری خارجی

برای تشخیص رأی داوری داخلی از خارجی مهمترین معیار، تابعیت رأی داوری است. از میان معیارهایی که برای تشخیص تابعیت رأی داوری ارائه شده دو معیار جغرافیایی (محل صدور رأی داوری) و (قانون حاکم بر داوری) از همه رایجتر است (جنیدی، ۱۳۸۱، ۳۸) از جمله عوامل دیگر، تابعیت طرفین اختلاف طبق بند ب ماده ۱ ق. د. ت. ب.

۱-۳ داوری بین المللی

عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد مثلاً اصحاب دعوی انگلیسی بوده ولی ضمن قرارداد رجوع به داوری قانون قابل اجرا را قانون فرانسه تعیین کرده و یا داوران خود را از اتباع آلمان انتخاب کرده

باشند و نهایت رأی داوری در سوئیس صادر شده ولی موضوع مورد اختلاف در ایران واقع شده و نتیجه رأی داوری باید در ایران اجرا شود. به عبارت دیگر میتوان اینگونه تعریف کرد، هر رأی داوری که در قلمرو یک کشور خارجی صادر شده و بنا به توافق اصحاب دعوی جایگزین حکم محکمه خارجی گردیده و بوسیله یک مرجع قضایی صلاحیتدار خارجی دستور اجرای آن صادر شده باشد.

داوری خارجی قبلاً از طرف مرجع صلاحیتدار قضایی کشور محل صدور قابل اجرا اعلام شده و سپس به عنوان یک حکم محکمه خارجی تقاضای اجرای آن از آن کشور (کشور اجراکننده) بعمل آید.

بنابراین محکوم له رأی داوری قبلاً باید از دادگاه محل صدور دستور اجرا را کسب کرده و سپس رأی مزبور را بعنوان یک حکم محکمه ی خارجی در آن کشور به مرحله ی اجرا بگذارد (گلا، ۱۹۹۸، ۲۳۱).

در قوانین و مقررات کشور ایران برای اجرای آرای داوری بین المللی و خارجی مقررات مشخصی وضع نگردیده است در سال ۱۳۷۶ قانون داوری تجاری بین المللی در راستای اجرای آراء داوری بین المللی با ایرادات و نواقص بسیار به تصویب

فرض کنید یک تاجر آمریکایی با یک تاجر چینی بر سر تحویل محموله تجاری به اختلاف می‌خورند و مشکل را با توجه به شرط داوری قرارداد خود، به داوری ارجاع می‌دهند. اگر در نهایت حکم داور آن باشد که تاجر چینی موظف به تحویل محموله مذکور و جبران خسارت مالی است، ذی‌نفع آمریکایی می‌تواند با استناد به کنوانسیون نیویورک به دادگاه‌های چین مراجعه کرده و درخواست اجرای رای داوری (تحویل محموله و پرداخت خسارت) داشته باشد.

در این حالت اگرچه موضوع اجرای حکم در سرزمین چین است و ذی‌نفع آمریکایی است، ولی او می‌تواند از ظرفیت اجرای رای خارجی استفاده کند و حقوق خود را استیفا کند. این کنوانسیون اگرچه شامل ۱۶ ماده است اما اکثر مواد آن به موضوعات نسبتاً کم‌اهمیتی اختصاص داده شده‌اند که در این مطلب از آنها صرف نظر می‌شود. در عوض به چند نکته بسیار مهم این کنوانسیون در ادامه اشاره می‌کنیم که به نوعی تمام ماهیت وجودی کنوانسیون نیویورک را شکل داده‌اند.

الف- شناسایی و اجرای رای داوری خارجی تنها در کشورهایی که عضو کنوانسیون هستند امکان‌پذیر است. به بیان دیگر هر کشوری که عضو این کنوانسیون باشد لاجرم باید اجازه اجرای رای خارجی داوری را در کشور خود بدهد.

رسید ۱. از جمله مهمترین ایرادات طبق ماده ۲ و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی این است که فقط آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود، مورد شناسایی و اجرا قرار می‌گیرد و خارج از آن در ایران قابلیت اجرایی ندارد. بنابراین برای اجرای آراء داوری باید از سایر قوانین و مقررات همچون قانون مدنی و اجرای احکام مدنی کمک گرفت و در بعضی موارد به کنوانسیونها و معاهداتی رجوع کرد که ایران به آنها پیوسته است.

کنوانسیون نیویورک ۲

کنوانسیون نیویورک در حال حاضر مهم‌ترین سندی است که در باب شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی تنظیم شده است. این کنوانسیون در ۱۶ ماده تدوین شده است و کشورهای زیادی از جمله ایران به آن ملحق شده‌اند که به این معناست که مابین کشورهای زیادی امکان اجرا دارد و این کنوانسیون دایره اجرای احکام خارجی داوری را تا حد زیادی وسیع کرده است.

در ابتدا و پیش از ورود به مواد کنوانسیون نیویورک، چالش حقوقی اجرای رای خارجی و نقش کنوانسیون نیویورک را با یک مثال توضیح می‌دهیم:

جهان‌شمول‌ترین معاهدات کنوانسیون نیویورک می‌باشد. این کنوانسیون مشی حمایتی از آرای داوری دارد چندان‌که به دادگاه‌ها اختیار داده تا با تضییق موانع اجرا به تعداد بیشتری از آرا مجال اجرا بدهند و رویه دادگاه‌ها در کشورهای پیشرفته نیز عموماً منطبق بر همین مشی حمایتی می‌باشد.

۱- قانون داوری تجاری بین‌المللی تاریخ تصویب ۱۳۷۶۶.۲۶

۲- به دلیل الحاق ایران به پیمان نیویورک در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی در سال ۱۳۸۱، در واقع از این تاریخ مقررات مندرج در پیمان مزبور بر اساس ماده نه(۹) قانون مدنی در حکم قانون کشور است. کنوانسیون نیویورک ستون اصلی بنای داوری بین‌المللی و موفق‌ترین ابزار حقوقی در زمینه تجارت بین‌الملل است. یکی از

سست و متزلزل میشود. شاید به همین دلیل هم اسناد بین المللی داوری هر کدام بر عدم اهلیت تأکید خاصی داشته اند؛ بنابراین عدم اهلیت نه تنها موجب فقدان یک قرارداد داوری معتبر میشود که از این منظر موجب عدم صلاحیت دیوان داوری هم میگردد. معیار عدم اهلیت در قوانین داخلی بیشتر کشورها و در بعضی اسناد بین المللی هم به تنهایی موجب ابطال رأی داوری میشود. در بیشتر نظامهای حقوقی بحث اهلیت یا عدم اهلیت را زیرمجموعه ی اعتبار قرار داد میدانند. هر چند خود این معیار یکی از موجبات مستقل اعتراض به رأی داوری تجاری بین المللی به شمار میرود؛ اما میتوان گفت اعتبار قراردادی و از جمله ی آن اهلیت قانونی در تمام نظامهای حقوقی دنیا یک اصل پذیرفته شده است که برای اعتبار قرارداد، طرفین آن بایستی واجد اهلیت برای انعقاد آن باشند (شهیدی، 1380، 120) در غیر این صورت قرارداد منعقد بی اعتبار تلقی خواهد شد. در هر حال، هر شخصی (حقیقی یا حقوقی) که واجد اهلیت باشد، بر طبق قاعده ی کلی، واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد معتبر است که طبیعتاً واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد داوری نیز خواهد بود (ردف و هانتر، 1991، 144)

عدم اهلیت در کنوانسیون نیویورک در ماده ی پنجم بند یک شق الف، در قسمت موانع شناسایی و اجرای آرا داوری مطرح میشود این قسمت از ماده علتی را بیان میکند که در واقع به خود اعتبار رأی بر میگردد. به این صورت که فقدان اهلیت، چه برای توافق بر داوری و چه در صورت عدم وجود توافق بر داوری اختیار رسیدگی به دعوا و صدور رأی را از داور و دیوان داوری سلب میکند. بنابراین موضوع اهلیت، موضوعی علیحده

ب- دولتی که وظیفه اجرای حکم را دارد باید آن را طبق آیین دادرسی کشور خود اجرا کند. در واقع نیازی به تطبیق ماهوی محتوای رای با قوانین داخلی نیست و صرفاً تطابق شکلی برای اجرای حکم کافی است.

ج- برای درخواست اجرای رای داوری، متقاضی باید مدارک ماده ۴ این کنوانسیون یعنی اصل حکم داوری و موافقت نامه داوری (قرارداد اصلی داوری) را به دادگاه تسلیم کند.

د- هر چند دولتهای عضو موظف به اجرای رای های خارجی هستند اما در برخی مواد می توانند از اجرای رای داوری امتناع کنند. مثلاً اگر رای داور مغایر نظم عمومی کشور مذکور باشد می تواند دادگاه اجرای رای را رد کند

موانع اجرای آرای داوری های خارجی در ایران

مواردی که مانع اجرای آرای داوری های بین المللی می شوند را می توان به هفت دسته تقسیم کرد:

۱-۳	موانع قابل ابطال
۲-۳	موانع باطل کننده
۳-۳	موارد غیر قابل ارجاع به داوری
۴-۳	مواردی که داوری از بین می رود
۵-۳	آرا مخالف با قوانین موجد حق
۶-۳	هم تبعه بودن
۷-۳	موارد مخالف اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی

۱-۳ فقدان اهلیت

عدم اهلیت، یکی از موارد مهم موانع اجرای داوری است؛ چرا که با زیر سوال رفتن این معیار اساس و بنای یک قرارداد داوری

در آنجا باشد حکم مشابه کنوانسیون در بند (ب) ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر گردیده که مطابق آن چنانچه "موافقتنامه داوری به موجب موافقت آن بر طرفین که قانون حاکم نامه دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد" رای صادره از مرجع داوری بی اثر تلقی خواهد شد. موافقتنامه داوری مبنای صلاحیت و مشروعیت مرجع داوری است. چنانچه به هر علت از قبیل فسخ، انفساخ و اقاله موافقتنامه داوری معتبر نبوده یا باطل باشد یا فاقد یکی از شرایط اساسی صحت معامله مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی باشد مرجع داوری فاقد صلاحیت تلقی شده و رای صادره از آن بی اثر تلقی می گردد. (مافی: ۱۳۹۷، ۴۳۷)

اول - موانع قابل ابطال
این موانع که در مقررات مختلف آمده اند کلاً در ماده ۳۳ لایحه داوری تجارت بین‌المللی جمع آمده اند، این ماده به شرط تصویب نهایی مقرر می دارد که رای داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ (شعبه ۱ دادگاه عمومی مرکز استان) قابل ابطال است:
(۱) یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.
(۲) موافقتنامه داوری به موجب قانون حاکم معتبر نباشد و یا در صورت سکوت قانون حاکم مخالف صریح قوانین ایران باشد.

در کنوانسیون نیویورک است که می‌تواند راساً موجب امتناع از شناسایی و اجرای رای داوری خارجی باشد.^۳

موضوع اهلیت از مواردی است که حتی اگر توافق داوری و روند داوری خالی از اشکال هم باشد و بعد از صدور رای آگاهی از عدم اهلیت طرفین به دست آید، باز هم از موجبات موانع اجرای رای خواهد بود. در ادامه ی همین بند از کنوانسیون نیویورک، در خصوص اهلیت مقرر میدارد که قانون قابل اعمال بر هر یک از طرفین اهلیت آنها را مشخص خواهد کرد. ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز مقرر نموده: "رای داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ قابل ابطال است: الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد...." در داوری های بین‌المللی وجود اهلیت طرفین دعوا برای ارجاع اختلاف به داوری لازم و ضروری است.

نتیجه عدم اهلیت طرفین قرارداد داوری بی اعتباری قرارداد داوری است (مافی: ۱۳۹۷، ۴۳۴)

بطلان موافقتنامه داوری

شق الف از بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک مقرر طرفهای موافقتنامه موضوع ماده (۲) به موجب قانون حاکم در مورد آنها در مواردی از عدم اهلیت برخوردار بوده یا موافقتنامه مزبور به موجب قانونی که طرفها مشمول آن شده اند معتبر نباشد یا به موجب قانون کشور محل صدور حکم فاقد هرگونه قرینه‌ای

۳- ماده ۵- بند ۱ مرجع صالحی که تقاضای شناسایی و اجرای حکم از آن شده می‌تواند بنا به درخواست طرفی که علیه وی به حکم استناد شده و تنها در صورتی که طرف یاد شده دلائل زیر را برای آن تهیه کند، از شناسایی و اجرای حکم امتناع ورزد: الف - طرفهای موافقتنامه موضوع ماده (۲) به موجب قانون حاکم در مورد آنها در مواردی از عدم اهلیت

برخوردار بوده یا موافقتنامه مزبور به موجب قانونی که طرفها مشمول آن شده اند معتبر نباشد یا به موجب قانون کشور محل صدور حکم فاقد هرگونه قرینه‌ای در آنجا باشد؛

سوم - مواردی که موضوع قابل ارجاع به داوری نیست
ماده ۶۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی دو نوع دعوی را قابل
ارجاع به داوری نمی داند:
یک - دعوی ورشکستگی.

دو - دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب.

چهارم - مواردی که داوری از بین می رود.
ماده ۶۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی در دو مورد مقرر می دارد
که داوری از بین می رود:

یک - در صورت تراضی کتبی طرفین.

دو - در صورت فوت یا محجوز شدن یکی از طرفین.

پنجم - آرا مخالف با قوانین موجد حق

ماده ۶۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد که رای
داور یا هیات داوری نباید مخالف با قوانین موجد حق باشد.

ششم - هم تبعه بودن

ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد که در مورد

معاملات واقع بین اتباع ایران اتباع خارجه، طرف ایرانی نمی
تواند مادام که اختلاف تولید نشده است و به نحوی از انحا

مستلزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری

یک یا چند نفر و یا به داوری هیاتی رجوع نمایید که آن
شخص یا اشخاص و یا آن هیات دارای همان تابعیتی باشد که

طرف معامله دارد و در هر قراردادی که مخالف این حکم باشد

در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر است.

این در صورتی است که در بقیه موارد داوری از قبل از اختلاف

پیش بینی داور یا داوران بلامانع است.

هفتم - موارد اختلاف اصل یکصد و سی و نهم

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد

که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به

داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید

(۳ مقررات مربوط به ابلاغ اظهاریه های تعیین داور ، یا

درخواست داوری رعایت نشده باشد.

(۴ درخواست کننده ابطال بدیهی که خارج از اختیار او بوده

موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

۵ - داورو خارج از حدود اختیارات خود رای داده باشد.

۶ - ترکیب هیات داوری یا آیین دادرسی مخالف مقررات نامه

داوری یا قوانین آیین دادرسی حاکم باشد.

۷ - قرارداد داوری مشتمل بر نظر موافق یا موثر داور جرح شد

باشد.

۸ - رای داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن

به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

۹ - پس از صدور رای داوری ، مدارکی یافت شود که دلیل

حقانیت درخواست کننده ابطال بود و ثابت شود که آن مدارک

مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

دوم - موارد ابطال رای

ماده ۳۴ لایحه داوری تجاری بین المللی همانند ماده ۶۶۵

قانون آیین دادرسی مدنی در موارد زیر رای داور یا هیات

داوری را اساساً باطل و غیر قابل اجرا می داند:

۱ - در صورتی که موضوع اصلی اختلاف بموجب قوانین ایران

قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد (ماده ۶۷۵ قانون آ . د

م نیز بر این امر تصریح دارد).

۲ - در صورتی که مفاد رای مخالف با نظم عمومی یا اخلاق

حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد. (ماده ۶۷۵ آ . د

م نیز این امر را پذیرفته است).

۳ - رای داوری در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران بوده

و یا با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد

رسمی که از اعتبار نیفتاده است معارض باشد. مگر اینکه در

مورد اخیر داور حق سازش داشته است.

به اطلاع مجلس برسد موارد مهم را قانون تعیین می کند .
بنابراین ارجاع دعاوی راجع به اموال که طرف دعوی خارجی
باشد باید به تصویب مجلس نیز برسد .
ه _ تشریفات شناسایی آرای داوریه‌های خارجی در ایران
تشریفات شناسایی احکام و اسناد خارجی در فصل نهم قانون
اجرای احکام مدنی بقرار ذیل پیش بینی شده است :
اول _ به استناد ماده ۱۷۲ قانون فوق الذکر متقاضی شناسایی
و اجرای حکم باید به دادگاه عمومی محل اقامت محکوم علیه
در ایران و یا محل سکونت وی در ایران و در صورت نداشتن
هیچکدام از آن دو به دادگاه عمومی شهرستان تهران رجوع
نماید و اجرای حکم را کتباً تقاضا نماید .
دوم _ براساس ماده ۱۷۳ آن قانون متقاضی باید به تقاضای
اجرای خود اسناد زیر را ضمیمه نماید :
۱_ نسخه ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی با ترجمه رسمی
و تایید مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده .
۲_ رونوشت دستور اجرای حکم از طرف مرجع صلاحیت دار
با ترجمه .
۳_ گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی یکی از طرفین راجع به
صدور دستور اجرای حکم از طرف مقامات صلاحیتدار .
۴_ گواهی امضا نمایندگان سیاسی و کنسولی توسط وزارت
امور خارجه
سوم _ دادگاه بر طبق ماده ۱۷۴ قانون اجرای احکام در جلسه
اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار
قبولی تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم را صادر و دستور اجرا
میدهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می داد .
چهارم _ قرارداد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده
می تواند ظرف ده روز از آن تجدید نظر بخواهد (ماده ۱۷۵
قانون اجرای احکام)

پنجم _ دادگاه تجدید نظر کننده به استناد ماده ۱۷۶ آن قانون
در جلسه ای فوق العاده ، به موضوع رسیدگی و در صورت
وارد بودن شکایت با فسخ رای پژوهش خواسته امر به اجرای
حکم صادر می کند و در غیر این صورت آن را تایید می کند
رای قابل فرجام نیست .
و _ اجرای احکام داوریه‌های خارجی در ایران (براساس قوانین)
در مورد اجرای اسناد احکام و آرای خارجی در حقوق ایران
سه ماده قانونی وجود دارد که هر سه حکم واحد را اعلام
نموده اند :

اول _ ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می دارد که
اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی به همان ترتیب و
شرایطی که برای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر
گردیده قابل اجرا می باشند .
دوم _ ماده ۱۷۸ همان قانون نیز پیش بینی نموده است که
احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی
بمرحله اجرا گذاشته شوند .
سوم _ در لایحه داوریه‌های تجاری بین المللی نیز مطلب
جدیدی برای اجرای آرای داوریه‌ها پیش بینی نشده است و
در ماده ۳۵ خود مقرر نموده است که آرای داوریه که مطابق
این قانون صادر شود قطعی و لازم الاجرا است و در صورت
درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ (شعبه یک دادگاه
عمومی مرکز استان) براساس ترتیبات اجرای احکام دادگاهها
به مورد اجرا گذاشته می شوند .
بنابراین با عنایت به اجتماع حکم هر سه ماده فوق آرای
داوریه‌های خارجی مانند احکام مدنی داخلی در ایران قابل اجرا
می باشند .

ز _ اجرای احکام داوریه های خارجی در ایران (براساس
معاهدات دو جانبه)

و مقررات اصلاح شده داوری ۱۹۷۶ آنستیرال (کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد) دانسته اند زیر براساس این توافق مقررات شکلی حاکم بر این دیوان داوری بیانیه مقررات مدلی ۱۹۷۶ آنستیرال می باشد و نحوه اجرا آرا صادره از دیوان نیز تابع مقررات آن بیانیه و مقررات اصلاح شده آنستیرال شده است. نتیجه گیری

با عنایت به نقش حیاتی تجارت و حقوق تجارت بین المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها، و با توجه به نقش غیر قابل انکار و حیاتی حقوق داوریهایی بین المللی در آن رشته، خصوصاً قسمت اجرای آرای داوریهایی خارجی در یک کشور، که ایجاد اطمینان ذهنی در بین تجار کشورهای دیگر برای انجام مراودات و مبادلات تجاری یا کشوری و یا بازرگانان کشور می نماید و با در نظر گرفتن این نکته که حقوق ایران فاقد مقررات مدون پیش بینی شده در این زمینه است و توسل به مقررات متفرقه تفسیری زمینه را برای ایجاد یک روش متحد الشکل را بوجود نمی آورد و خصوصاً با عنایت به این نکته که این مقررات غالباً در رابطه با اجرای اسناد و احکام خارجی است که دارای پیچیدگی ها و سخت گیری های خاص خودشان می باشند(در حالی که داوریهها هم خودشان و هم اجرا آنان به نرمش و خضوع حقوقی بیشتری است) پیشنهاد می گردد همانگونه که برای شناسایی و اجرای احکام خارجی پس از گذشت حدود ۷۰ سال قوانینی در حقوق ایران تدوین شده است برای اجرای آرای داوریهایی خارجی نیز مقرراتی تدوین تا ضمن ایجاد یک وحدت حقوقی در اجرای آرای داوریهایی خارجی در ایران و روان نمودن تجارت خارجی و بین المللی در سایه این مقررات از موارد تقلب نسبت به قانون نیز جلوگیری شود و یک حکومت حقوقی مناسب بر این

در حقوق بین الملل ایران در مورد اجرای آرای داوری های خارجی در ایران به سه سند بین المللی می توان دسترسی پیدا کرد.

اول - عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی ایران - آمریکا مصوب ۱۳۳۶:

بند ۳ ماده این عهدنامه مقرر می دارد که از حل و فصل خصوصی اختلافاتی که جنبه حقوقی داشته و مربوط به اتباع و شرکتهای هر یک از طرفین متعاهدین باشد در قلمرو و طرف متعاهد دیگر جلوگیری نخواهد شد و در مواردی که حل و فصل مزبور از طریق حکمیت و داوری بعمل آرا نه بیگانگی حکمها و داورها و نه خارج بودن عمل وقوع حکمیت به خودی خود مانع اجرای آرا صادره از حکمیت نخواهد شد. بنابراین براساس این بند لزومی ندارد که داور از کشورهای متعاهدین باشد و نه لزومی دارد در یکی از کشورهای متعاهدین باشد لزومی دارد محل داوری در یکی از کشورهای متعاهدین باشد پس هر رای داوری خارجی و با داور یا داوران با هر تابعیتی مشمول این بند خواهد بود.

دوم - پروتکل تشویق و حمایت سرمایه گذاری ایران و آمریکا مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۶:

بند ۸ این پروتکل موانع اجرای رای داوری را همان موانع مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی می داند (که قبلاً عرض شده است). سوم - ماده ۲ بیانیه اصلی دولت جمهوری اسلامی دموکراتیک و مردمی الجزایر و بیانیه دوم یا بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک الجزایر

دربار حل و فصل دعاوی توسط دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹، نحوه شناسایی و اجرای احکام صادره را براساس مقررات آن بیانیه

مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است. تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیر قابل اعتراض است.

موارد درخواست ابطال رأی در قانون داوری تجاری بین الملل به قرار زیر است؛

۱. رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

- الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.
- ب - موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند، معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.
- ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه های تعیین دار یا درخواست داوری رعایت نشده باشد.
- د - درخواست کنند ابطال به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارایه دلایل و مدارک خود نشده باشد.
- ه - «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.
- و - ترکیب هیأت داوری یا آئین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.
- ز - رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.
- ح - رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.
- ط - پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف

رشته حیاتی کشور ایجاد کنیم. حسن دیگ این امر قابلیت شناسایی و اجرای آرای داوریهای ایران در سایر کشور بر اساس عمل متقابل خواهد بود. الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک، با حفظ و رعایت قوانین اصلیه جمهوری اسلامی ایران با عنایت به پذیرش ضمنی قانونگذار در پروتکل تشویق و حمایت سرمایه گذاری ایران و آمریکا ۱۳۴۶/۲/۲۷ و با توجه به مفاد آن و نظر به شمول موضوعی کشورهای عضو آن، می تواند گام مفید و موثر دیگری در این زمینه باشد.

«ماده ۳۵ - اجرا
۱. به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شوند.
۲. در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد».

ملاحظه می شود که مقنن در سال ۷۶ نیز - که در زمان حکومت قانون سابق آ.د.م - بود اجرای آرای داوری را موکول به درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون می داند. منظور از دادگاه ماده ۶ دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد و تا زمانی که مقر داوری

داوری خارجی موسوم به کنوانسیون نیویورک است. به علاوه عهدنامه دیگری هم در این زمینه وجود دارد که بسیار در رفع اختلافات سرمایه گذاری بین المللی قابل توجه است. عهدنامه حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع سایر دولتها (عهدنامه ایکسید)^۱

یکی از مهمترین معاهدات حقوق بین الملل اقتصادی است که افراد را به عنوان تابعان حقوق بین الملل به رسمیت می شناسد. بر خلاف کم توجهی نسبت به سرمایه گذاری در گذشته، کشورها از اواسط دهه ۱۹۸۰ به طور فزاینده ای دیدگاه های مشابهی را درباره برخورد حقوقی با مساله سرمایه گذاری خصوصی خارجی اتخاذ کرده اند. مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری (ایکسید) یک نهاد پیشرو داوری بین المللی در حوزه حل و فصل اختلافات دولت - سرمایه گذار است که بر اساس کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دولتها دیگر (کنوانسیون واشنگتن (به عنوان بخشی از بانک جهانی تأسیس شده است.

اهمیت این کنوانسیون را می توان در قوانین ملی کشورها در خصوص سرمایه گذاری، معاهدات دو یا چند جانبه بین المللی آنها و رویکرد مثبت آنها نسبت به حل و فصل این گونه دعاوی به خوبی مشاهده کرد. این تشابهات خصوصاً در زمینه آزادسازی رژیم های سرمایه گذاری و حمایت از سرمایه گذاران قابل توجه است.

به موجب این کنوانسیون هر حکم داوری که در یکی از کشورهای عضو این کنوانسیون صادر شده باشد در کشورهای دیگر عضو کنوانسیون نیز لازم الاجراست.

مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است. ۲. در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می تواند پیش از آنکه در خواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. ۳. درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، بایند به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، والا مسموع نخواهد بود.

همچنین این قانون در موارد زیر رأی داور را غیر قابل اجرا و باطل دانسته است؛

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیر قابل اجراست؛

۱. در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.
۲. در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.
۳. رأی داوری صادره در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا مبایعانه اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد. (ماده ۳۴)

اجرای احکام داوری در کنوانسیون نیویورک

برای تسهیل اجرای آرای داوری تجاری بین المللی کنوانسیونی در سال ۱۹۵۸ به تصویب رسید که بسیاری از کشورها از جمله ایران به عضویت آن درآمده اند. نام دقیق این کنوانسیون، کنوانسیون بین المللی شناسایی و اجرای احکام

الف) الزام آور بودن اجرای آرای داوری

به نوشته «حامی عدالت» خصوصیتی که کنوانسیون برای آرای داوری در نظر گرفته است، ویژگی الزام آور بودن رأی داوری است. عبارات کلی مواد ۵۳ و ۵۴ بدان می‌پردازد. این موارد در واقع بیان مجدد اصول حقوق بین‌المللی عرفی یعنی اصل «لزوم وفای به عهد»، اصل «اعتبار امر قضاوت شده و اصل «حسن نیت می‌باشد.

دولت طرف اختلاف متعهد به اجرای مفاد حکم داوری است، زیرا نه تنها این تعهد را از طریق توافق ارجاع اختلاف به داوری داوطلبانه پذیرفته است، بلکه ماهیت الزام آور حکم داوری مرکز که از خود معاهده نشأت می‌گیرد، او را مکلف به اجرای حکم می‌سازد. همچنین دولت مزبور در قبال اجرای تعهداتی که مؤسسات و واحدهای تابع آن به موجب ماده ۵۳ دارا می‌باشند، نیز مسئول خواهد بود؛ زیرا خود آن دولت واحدها و مؤسسات مزبور را به عنوان نهاد دولتی به مرکز معرفی نموده و رضایت آنان را به داوری مورد تأیید قرار داده است.

طرف دیگر اختلاف یعنی سرمایه‌گذار خارجی که اصولاً یک واحد خصوصی است، تعهدات مشابهی با آنچه برای کشورهای عضو در خصوص تبعیت از خصلت الزام آور رأی وجود دارد، دارا می‌باشد و در مقابل اهلیتی که برای مراجعه به داوری به وی اعطا شده، متعهد به پذیرش و اجرای مفاد رأی داوری خواهد بود.

علاوه بر طرفین اختلاف، هر یک از دولت‌های عضو نیز باید حکم صادر شده بر طبق مقررات کنوانسیون را معتبر و الزام آور شناخته، الزامات ناشی از آن را به مورد اجرا گذارند. به طوری که آن را یک حکم نهایی صادر شده از دادگاه‌های

داخلی خود به شمار آورند. بدین ترتیب کنوانسیون تکلیف شناسایی و اجرای آرای داوری مرکز را برای هر یک از دولت‌های متعهد مقرر داشته است که لازم است آن را به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

ب) شناسایی

شناسایی حکم در حقیقت تأیید رسمی است بر این که رأی معتبر بوده، واجد آثار حقوقی می‌باشد. شناسایی احکام اغلب منوط به تشریفات است که بسته به کشوری که تقاضای شناسایی و اجرا در آن به عمل می‌آید، متفاوت خواهد بود و با عنایت به معاهده‌های قابل اعمال ممکن است شناسایی احکام داوری در معرض شرایط خاص قرار گرفته و یا رأی مورد نظر مورد تجدید نظر قرار گیرد. شناسایی رأی دو اثر احتمالی دارد: یکی تأیید رأی به عنوان سند الزام آور یا قضیه محکوم بها و دیگری مرحله مقدماتی برای اجرای سند باشد

ج) اجرای حکم

حکم داوری پس از شناسایی در یک کشور متعهد همان قدرت اجرایی را خواهد داشت که یک حکم نهایی صادر شده از دادگاه‌های همان کشور داراست. با این تفاوت که تعهد به اجرای حکم برخلاف تعهد به شناسایی که به همه احکام توسعه می‌یابد، فقط به تعهدات مالی مندرج در حکم داوری محدود می‌شود و شامل سایر تعهدات مانند اجرای عین تعهد و یا قرار عدم اجرای اعمال مشخص نمی‌گردد. با وجود این احتمالات گسترده‌ای برای اجرای تعهدات غیر مالی مندرج در حکم وجود دارد. این تعهدات ممکن است اموری مانند استخدام پرسنل محلی یا بازگرداندن کارمندان منفصل شده به سمت قبلی خود، استرداد اموال ضبط شده، اخذ مجوز برای

عملی روبرو خواهد بود. چرا که کنوانسیون علیرغم سلب مصونیت قضایی از دولتها در هنگام ارجاع امر به مرکز و پذیرش صلاحیت دیوان داوری، مقررات نظام های حقوقی ملی در زمینه مصونیت صلاحیت دیوان اجرایی را در مرحله اجرای حکم همچنان محترم دانسته و اجرای حکم علیه دولت محکوم علیه را دشوار می‌سازد.

پیامدهای عدم اجرای آرای داوری مرکز

همان طوری که اشاره شد، تعهد به پذیرش و اجرای مفاد رأی داوری نتیجه منطقی ماهیت الزام آور رأی می‌باشد که به طور مساوی به هر دو طرف اختلاف، اعم از دولت سرمایه پذیر و سرمایه گذار خصوصی خارجی، تحمیل می‌شود. با این حال کنوانسیون برای تضمین هرچه بیشتر اجرای آرای داوری مرکز ضمانت اجراهای مختلفی را در صورت نقض تعهد به پذیرش و اجرای حکم داوری برای هر یک از طرفین پیشین نموده است که این امر از خصوصیات متمایز کنوانسیون از دیگر اسناد بین المللی می‌باشد. لذا در اینجا لازم است آثار عدم اجرای حکم داوری توسط هر یک از شخص حقوقی خصوصی و دولت طرف دعوی را از یکدیگر تفکیک نموده، جداگانه مورد تحقیق و تدقیق قرار دهیم.

پیامدهای عدم اجرای حکم توسط شخص خصوصی طرف دعوی

چنانچه سرمایه گذار خارجی در رسیدگی داوری مرکز محکوم علیه حکم واقع شود و از اجرای حکم امتناع ورزد، مطابق ماده ۵۴ کنوانسیون دولت محکوم له می‌تواند با ارائه یک نسخه مصدق حکم به دادگاه صالح یا مقامات رسمی ذی صلاح در قلمرو هر یک از کشورهای متعاقد از جمله کشور

انتقال ارز، توقف آزار و اذیت کادر اداری سرمایه گذار و یا دست برداشتن از تحمیل مالیاتهای نامتعارف و غیر عادلانه باشد. در این صورت دیوان صادر کننده حکم می‌تواند با در نظر داشتن عدم امکان اجرای این دسته از تعهدات، راهها و طرق مالی برای جبران خسارت در نظر بگیرد.

باید یادآور شد، تعهدی که در عبارات مالی تصریح نشده است به همان نسبت تعهدات مالی الزام آور بوده، مشمول اعتبار امر مختومه می‌گردد. با این تفاوت که کنوانسیون صرفاً تعهدات مالی را مشمول رسیدگی آسان و قهری قرار داده است و محکوم له حکم داوری می‌تواند برای اجرای تعهدات غیر مالی موضوع حکم به کنوانسیون نیویورک که چنین محدودیتی را در نظر نگرفته، متوسل گردد ناگفته نماند که کنوانسیون در مورد اجرای تعهدات مالی مندرج در حکم داوری نیز مقررات خاصی را پیش بینی نکرده است و تشریفات مربوط به اجرای احکام داوری مرکز را به مقررات ملی کشوری که در آن تقاضای اجرای حکم به عمل می‌آید، موکول نموده است. از این رو ممکن است احکام صادر شده در چهارچوب کنوانسیون در معرض رفتارهای متفاوتی قرار گیرند. با این حال، قانون کشوری که بر اجرای رأی داوری حاکم است، فقط جنبه شکلی داشته، از تعهد کشورهای عضو برای اجرای حکم چیزی کم نمی‌کند و نمی‌تواند به عنوان استاندارد برای تجدید نظر در آرا عمل نموده و بر نهایی بودن و قطعیت رأی تأثیری بگذارد.

ولیکن با وجود مکانیسم سهل وآسانی که کنوانسیون برای اجرای آرای داوری در نظر گرفته است، اجرای آرای داوری مرکز در موردی که حکم داوری علیه دولت طرف اختلاف صادر می‌شود، همواره با یک سلسله دشواریها و مشکلات

نیویورک در رابطه با شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی حکم داوری پس از شناسایی در یک کشور متعاهد همان قدرت اجرایی را خواهد داشت که یک حکم نهایی صادر شده از دادگاه‌های محلی را خواهد داشت.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی - جلد سوم، انتشارات دراک، ۱۳۹۶، چاپ سی و دوم، ص ۱۶۴
- ↑لعیا جنیدی، نستر غیاثوند. داوری پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی، فصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱۰۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۲۵-۴۸
- اجرای آرای داوری خارجی در ایران با تأکید بر... اثنی عشری و همکاران/71
- همایون مافی، مهشید اسحق. موانع شناسایی و اجرای رای داوری در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی (1958 و قانون داوری تجاری بین المللی ایران دوره 7. شماره 1. شماره پیاپی 11. بهار 1402. صفحات 151 تا 168. پژوهش نامه حقوق تطبیقی
- بطحائی، سید فرهاد، شمس، عبدالله، «معیاری و استقلال تشخیص‌داور طرفی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و هفت، 1395.

متبوع سرمایه گذار خواستار توقیف اموال او شود و از طریق عملیات اجرایی محکوم به را وصول کند. مزیت مهم کنوانسیون بر سایر اسناد بین الملل در این زمینه مانند کنوانسیون نیویورک آن است که طرف اختلاف در محل اجرا حق استناد به نظم عمومی کشور محل درخواست اجرا را ندارد و نمی‌تواند مانعی در برابر اجرای حکم مرکز ایجاد نماید؛ بنابراین، حکم دیوان که علیه شخص خصوصی طرف دعوی صادر می‌شود، سندی است که پس از طی تشریفات شناسایی، بلافاصله قابلیت اجرا پیدا می‌کند.

پیامدهای عدم اجرای حکم توسط دولت طرف دعوی

چنانچه حکم مرکز علیه دولت طرف دعوی صادر شده باشد، آن دولت می‌تواند با استناد به اصل مصونیت اجرایی خود مانع مؤثری بر سر راه اجرای حکم مرکز ایجاد کند و به تناسب قوانین کشورهای متعاهد درباره مصونیت اجرایی، عبور از این مانع را غیرممکن گرداند. با وجود این باید دانست که مسائل مربوط به مصونیت اجرایی از سایر مقررات کنوانسیون جدا نبوده و در چهارچوب کل آن نگریسته می‌شود؛ بنابراین، هرچند دولت محکوم علیه در دادگاه‌های خود و یا دادگاه‌های کشور متعاهد دیگر با توسل به مصونیت اجرایی خود، اجرای حکم را بی‌اثر می‌سازد، در حقیقت تعهد خود به لزوم تبعیت از مفاد حکم داوری مطابق کنوانسیون را نقض نموده است که خود موجب نقض تعهدات بین المللی وی خواهد بود.

به عنوان جمع بندی باید گفت آرای داوری تجاری بین المللی نیز وفق قانون داوری بین المللی خارجی در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) آن قانون مانند احکام دادگاه‌ها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند. طبق کنوانسیون

- جنیدی، لعیا، اجرای آرایداوری بازرگانی خارجی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، 1381.
- جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، تهران، شهر دانش، 1387.
- دهخدا، علیاکبر، فرهنگ لغت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1377.
- زاهدیان، مجتبی، بزمی میوان، احسان، «اجرای آراء دادگاههای ملی به عنوان رأی داوری در پرتو کنوانسیون نیویورک»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و حقوق کیفری، شماره چهل و نه، ۱۴۰۰.
- شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دراک، 1397.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ اول، تهران، حقوق دان، 1380.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه ی حقوق، جلد سوم-منطق حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات سهامی انتشار، 1390.
- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، تهران، دادگستر، 1399.
- نصیری، مرتضی، شناسایی و اجرای احکام محاکم خارجی، تهران، 1394.

منابع لاتین

- Gaillard E, Savage J, "Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 1999.
- Gillard E, "l'execution des sentences annulees dans leur pays d'origine: l'experience francaise", 14th ICCA congress, Paris, 1998.
- Grantham W, "The Arbitrability of International Intellectual Property Disputes", 14 Berkeley J. Int L, 1996.
- Lehmann M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", 42 Colum. J. Transnat, 2004.
- Redfern A, Hunter M, Law and Practice of International Commercial Arbitration, London, Sweet & Maxwell, 1991.
- Redfern A, Hunter M, Smith M, Traduit de l'anglais par Eric Robine, Droit et Pratique de l'arbitrage commercial international, 1991.
- Van Den B, Jan A, "The New York Arbitration Convention of 1958", Kluwer Law and Taxation Publishers, 1981.
- Vincent J, Montagnier G, Varinard A, La Justice et Ses Institution, 2é, Paris, Dalloz, 1985.